

سنخ‌بندی دوستی‌های بین دو جنس (مورد مطالعه: دختران جوان شهر کرمانشاه)

محسن نیازی^۱، لیلا پرنیان^{۲*}

چکیده

هدف این تحقیق سنخ‌شناسی روابط با جنس مخالف در بین دختران جوان است. این پژوهش با استفاده از روش کیفی، با رویکرد نظریه پردازي داده‌محور و به‌کارگیری تکنیک مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته و تعاملی انجام شد. جامعه مطالعه‌شده در این پژوهش دختران جوان ۱۹-۳۰ ساله ساکن در شهر کرمانشاه بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری، با ۴۸ نفر از دخترانی که در این‌گونه روابط درگیر بودند، مصاحبه شد. یافته‌های این تحقیق نشان داد که در جامعه مطالعه‌شده، شش سنخ ارتباط با جنس مخالف در بین دختران وجود دارد که شامل روابط ناب، روابط مصلحتی، روابط هم‌بالینی، روابط ازدواج‌محور، روابط ابزاری، و روابط سیال‌اند. براساس یافته‌ها، همه سنخ‌های ارتباطی (به غیر از رابطه ناب)، از گفتمان پسامدرن متأثر بوده و ویژگی‌هایی چون سیالیت، شکنندگی، مقطعی بودن، عدم تعهد، و تکثرگرایی در دوستی دارند. رابطه ناب نیز متأثر از گفتمان مدرن ویژگی‌هایی مانند تعهد و تعلق عاطفی، عشق، رابطه جنسی، و نگرش غیرابزاری به رابطه دارد.

کلیدواژه‌ها

دختران جوان، دوستی بین دو جنس، رابطه ناب، عشق سیال، مدرنیته سیال، ناپایداری.

niazim@kashanu.ac.ir
parnian.leila@gmail.com

۱. استاد جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان
۲. دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۲۷

مقدمه و بیان مسئله

امروزه دگرگونی‌های ساختی و فنی، رشد فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی (اینترنت، ماهواره، چت، تلفن همراه) و پیوند گسترده با سایر کشورها موجب آشنایی با ارزش‌های نوین در گستره جهانی (همانند دنیاگرایی، فردگرایی، فمینیسم، جنبش‌های اجتماعی، حقوق بشر، و...) شد که در نتیجه آن در جوامع دگرگونی‌های ارزشی مهمی اتفاق افتاد؛ تا جایی که از تحولات مذکور به‌منزله عامل درهم‌شکننده صورت‌های قدیم «اجتماع» و از بین‌برنده روابط شخصی در جوامع مدرن یاد می‌شود [۲۹، ص ۱۳۸۱].

برای مثال، گیدنز^۱ در این زمینه معتقد است خصلت دوستی که در محیط‌های پیش از مدرن در ارتباط با اجتماع محلی و خویشاوندی مطرح بوده و دوستی‌های نهادمند، مانند برادری‌های خونی یا هم‌رزمی، صورت‌های اساسی رفاقت به‌شمار می‌آمدند؛ امروزه (با بسط گسترده نظام‌های انتزاعی و از جمله بازارهای کالایی)، سرشت آن دگرگون شده و موجب کم‌مایه‌شدن زندگی شخصی، تحلیل رفتن روابط شخصی و دگرگونی ماهیت آن، و به‌طور کلی تغییر در شکل تعاملات زندگی در سده بیستم شده است [۲۹، ص ۱۴۱-۱۴۴]. به عبارت دیگر، براساس نظر وی، می‌توان گفت امروزه پدیده عشق مدرن بروز کرده است که از عشق به معنای افلاطونی آن، که ابژه‌ای متفاوت، ماهیت فرافردی و متافیزیکی، غیرسکسوالیته و یک‌طرفه دارد، کاملاً متفاوت است [۱۵، ص ۳۸۶-۳۹۸] و در نتیجه این امر می‌توان گفت که ما در عصر حاضر با پدیده «تغییر شکل صمیمیت» مواجه هستیم [۵۰، ص ۱۲].

باومن^۲ نیز از جمله نظریه‌پردازانی است که هم‌سو با دیدگاه گیدنز معتقد است در دوران مدرن، افراد به‌شدت به «ایجاد رابطه» با یکدیگر ولی در عین حال بیمناک از «مرتبط بودن» و به‌ویژه «مرتبط بودن همیشگی» محتاج‌اند که این بدان معناست در جهان «فردیت‌بخشی» بی‌امان ما، روابط هم خوب و هم بد تلقی می‌شوند [۶، ص ۱۰-۱۱].

به‌طور کلی، می‌توان گفت که گرایش به تغییر، اصل بنیادی در هر فرهنگ است. اما این تغییر آنی و دفعی و در همه حوزه‌ها به‌طور هم‌زمان و یکسان نیست. به عبارت دیگر، هنجارهای بنیادین حاکم بر سیاست، کار، مذهب، خانواده، و حتی رفتارهای بین دو جنس به‌طور تدریجی و با سرعت و شدتی متفاوت در بین گروه‌ها و افراد مختلف دگرگون می‌شود. بنابراین، ممکن است در بین برخی از گروه‌ها شاهد تغییر فرهنگی به صورت تغییر شکل صمیمیت و گسترش اشکال مختلفی از روابط مانند «رابطه ناب» [۲۸، ص ۲۲]، رابطه «آسان»، «مصلحتی یا مصلحت‌اندیش»، «زوج‌های نیمه‌مجزا»^۳ و... باشیم [۶، ص ۱۳].

1. Giddens

2. bauman

3. Semi-detached couples

تحقیقات میدانی صورت گرفته نیز مؤید آن است که انقلابی در حوزه ارتباطات انسانی و به خصوص ارتباطات بین دو جنس، نه تنها در کشورهای توسعه یافته صنعتی [۴۹۵، ص ۴۱] بلکه در جوامع غیرغربی توسعه یافته و در حال توسعه نیز رخ داده است [۳۰۰، ص ۱۰]. مروری بر تحولات کشور ایران نیز، طیفی از تقابل (در موضوعات مختلف مذهب، فرهنگ، خانواده، جنسیت، و...) را بین آنچه در گذشته بوده (سنت) و آنچه مدرن است باز می‌نماید [۸، ص ۴۷؛ ۱۳، ص ۱۷۸]. برای مثال شواهد به دست آمده از مطالعات داخلی نشان می‌دهند که دگرگونی‌های بنیادی‌ای در زمینه‌های فرهنگی جامعه پذیری، به ویژه پدیده روابط پیش از ازدواج [۵؛ ۱۶؛ ۲۴] و رابطه جنسی پیش از ازدواج [۲۷؛ ۳۱، ص ۱۶۰؛ ۳۶]، در بین زنان و دختران ایرانی در حال ساخت و نوزایی است.

این مسئله به صورت خاص به دختران جوان مرتبط است [۱۷؛ ۱۸؛ ۲۶]. سهم برجسته و تعیین کننده آنان در جنبش‌ها و تغییرات اجتماعی، پیشگامی آن‌ها در پذیرش نوآوری، به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات [۷۲]، اهمیت یافتن مصرف و رواج خرده فرهنگ‌ها و سبک‌های متنوع زندگی در بین آنان [۲۸، ص ۱۵۴]، از جمله دلایلی‌اند که موضوع دختران جوان را به منزله مقوله‌ای اجتماعی، زیستی، فرهنگی، و سیاسی به مسئله‌ای محوری تبدیل کرده‌اند. برای مثال، امروزه زنان به طور فعال و به صورت دموکراتیک در زندگی، خانواده، و اجتماع نقش دارند [۵۰، ص ۶۳] و دگرگونی‌های ساختاری در آموزش و کار آنان، افزایش توان آن‌ها در زمینه‌های خانوادگی و اجتماعی، و رشد اندیشه‌های فمینیستی، آن‌ها را به بازنگری در هویت، سبک زندگی، و روابط سنتی خود و دگرگون‌سازی آن واداشته است. به بیان دیگر، آنان خواستار حقوق برابر در همه زمینه‌های زندگی و جهان اجتماعی، از جمله پافشاری بر گزینش فردی، آزادی در تعاملات اجتماعی، و آزادی بیشتر در شیوه‌های همسرگزینی خود هستند [۴۵؛ ۵۱؛ ۵۸؛ ۶۹؛ ۷۰].

از طرف دیگر، دختران به دلیل تحولات در چرخه زندگی مانند طولانی شدن دوران مجرد، حضور در دانشگاه‌ها، اشتغال، و حضور بیشتر در اجتماع و محیط‌های بیرون از خانه، میزان ارتباطاتشان با مردان افزایش یافته است. این قشر از جامعه در نوع مواجهه با این شرایط معمولاً دچار نوعی تضاد و تنش می‌شوند، زیرا از یک طرف در جامعه نمی‌توان این دو جنس را کاملاً از هم جدا کرد و از طرف دیگر ابهام در نحوه ارتباط با جنس مخالف و محدوده آن و نیز تمایل غریزی به جنس مخالف موجب افزایش سطح تنیدگی و مشکلات سازشی و رفتاری و از جمله رفتارهای پرخطر در آن‌ها می‌شود [۴، ص ۷؛ ۳۳؛ ۳۹].

این مسئله برای جامعه ایران، که سه دهه قبل انقلابی را بر مبنای ارزش‌های اخلاقی دینی پشت سر گذاشته و داعیه ایجاد جامعه‌ای متمایز با فرهنگ مسلط جهانی داشته است، بسیار پراهمیت است [۱۹، ص ۴۳].

ایران کشوری با جمعیت جوان است [۳۲]، که بنا بر نتایج پاره‌ای از تحقیقات داخلی [۲؛ ۷؛ ۱۲؛ ۲۰؛ ۲۱؛ ۲۳؛ ۶۰؛ ۶۱؛ ۶۶؛ ۶۴] به نظر می‌رسد تعدادی از جوانان آن درگیر روابط خارج از پیمان زناشویی با جنس مخالف شده‌اند. براساس نتایج حاصل از این تحقیقات، این نوع روابط به افت تحصیلی [۴، ص ۹]، سوء ظن به همسر آینده [۲۷]، احساس خیانت به همسر بعد از ازدواج، خودکشی، رفتار جنسی پرخطر [۱، ص ۵؛ ۳۰، ص ۹۳؛ ۳۸]، مصرف مواد مخدر و الکل [۲۲]، اضطراب، افسردگی، خودکم‌بینی، و کاهش رابطه با خانواده [۶۳] و مشکل در ارتباط با همسر [۴۸] منجر می‌شود.

شایان ذکر است به‌رغم انجام‌دادن پژوهش قابل توجه در رابطه با مخاطرات و پیامدهای این نوع دوستی، هنوز در رابطه با خاستگاه‌های گوناگون این روابط و ماهیت و اشکال مختلف آن اطلاعات چندانی در دست نیست. با توجه به این مهم و از آنجا که تحقیقات سنخ‌شناسانه، موجب درک پیچیدگی‌های موجود در این نوع رابطه می‌شود، پژوهش حاضر رسالت و هدف خود را سنخ‌شناسی^۱ الگوهای متفاوت روابط بین دختران و پسران قرار داده است.

ادبیات تجربی و نظری تحقیق

مدرنیته سیال یکی از اصطلاحات کاربردی رایج برای توصیف شرایط امروزی جوامع است که برخلاف مدرنیته جامد، که سابق بر آن بوده است، تعریف می‌شود. در فاصله بین مدرنیته جامد و مایع، مجموعه بی‌سابقه‌ای از تغییر در فعالیت‌های مربوط به زندگی فردی ایجاد شده که به موجب آن افراد با چالش‌هایی روبه‌رو می‌شوند که هرگز قبلاً با آن مواجه نبوده‌اند. برای مثال، ساختارهای اجتماعی دیگر توان ثابت نگه داشتن قالب‌های فعالیت انسانی و طرح‌های بلندمدت زندگی را ندارند و افراد مجبور به یافتن مسیرهای دیگری برای سازمان‌دادن زندگی‌شان هستند؛ یعنی افراد مجبورند یک‌سری پروژه‌های کوتاه‌مدت و ناتمام را به همدیگر تابیده و روی هم قرار دهند [۶، ص ۹-۱۸]. این سبک‌های زندگی و فعالیت‌های منفک‌شده عصر حاضر نیازمند افرادی انعطاف‌پذیر است که خودشان را تطبیق دهند و آماده تغییر تاکتیک با همان اطلاعات کوتاه‌مدت باشند. به تعبیر گیدنز، در عصر حاضر، بازاندیشی^۲ مداوم در همه عرصه‌های زندگی اتفاق می‌افتد و «عملکردهای اجتماعی در پرتو اطلاعات جدید دریافتی درباره همان عملکردها، پیوسته آزمون و اصلاح می‌شوند و بدین ترتیب ماهیت آن‌ها در حین ساخته‌شدنشان تغییر می‌یابد» [۵۰، ص ۳۸].

به عبارت دیگر، از آنجا که در عصر حاضر «خود» و «جامعه» در یک قلمروی جهانی با یکدیگر ارتباط یافته‌اند و دیالکتیکی گسترده بین سطوح خرد و کلان اتفاق افتاده است، هر

1. typology
2. reflexivity

چیزی در معرض بازاندیشی است. بنابراین جهانی‌شدن^۱، دیالکتیک بین امر محلی و امر جهانی را تحت شرایط مدرنیته برتر شکل می‌دهد و «بازتابشگری مدرنیته تا مغز خود» نیز بسط می‌یابد» [۳۳-۳۲، ص ۲۹]. به عبارت دیگر، در دوران مدرنیته و عصر جهانی‌شدن، متأثر از رشد تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی^۲، افراد از «مکان و موقعیت‌های محلی» «کنده شده» و می‌توانند به شیوه‌های نوین به تعامل بپردازند. این ازجاکنندگی و «جدایی زمان و مکان» موجب می‌شود، پیوندهای شخصی به‌راحتی پاره شوند و بتوان روابط صمیمیت را به قلمرو تماس‌های غیرشخصی مجدداً بازگرداند [۲۸، ص ۱۷۱]. از طرف دیگر، در جهان مدرن ما با پدیده «دانش زمینه‌زدایی» شده مواجه هستیم. این بدان معناست که در جریان فاصله‌گیری زمانی— مکانی افراد ارزش‌های زیربنایی را از جوامع دیگر الهام می‌گیرند [۲۹، ص ۷۷]. بنابراین، در مدرنیته متأخر^۳ و جهانی‌شدن سنت تضعیف شده و مردم همواره در معرض ارزش‌ها و هنجارهایی غیربومی قرار می‌گیرند. برای مثال اگر روابط در دوران سنتی براساس ارزش‌های اخلاص، شرف، و مانند آن استوار بود، اکنون تحت‌تأثیر مدرنیته و شکل متأخر آن ارزش‌های فراسنتی چون «درستی» حائز اهمیت است.

در این دوران، ارتباطات بین دو جنس نیز تغییر کیفی می‌یابد. برای مثال، در روابط عاشقانه به شیوه مدرن با همان مکانیسم «ازجاکنندگی» مکان و پدیده عشق سیال (به تعبیر باومن: love liquid و به تعبیر گیدنز: love confluent) مواجه هستیم. می‌توان گفت در عصر سیال مدرنیته، اساساً روابط عاشقانه کم‌دوام تلقی می‌شود و افراد همواره آماده جدایی و کنده‌شدن از عشقی هستند که درگیرش شده‌اند. در عین حال، آنان رویی گشاده به امکان‌های عشقی در آینده دارند. درواقع باید گفت چنین پدیده‌ای از همان اصل بنیادی مدرنیته پیروی می‌کند؛ اصلی که برخلاف «سنت»، که رو به گذشته دارد، نگاهش همواره به «آینده» است [۶، ص ۱۱].

در عصر سیال مدرنیته، افراد به‌شدت محتاج به «ایجاد رابطه» ولی در عین حال بیمناک از «مرتبط بودن» و به‌ویژه مرتبط بودن «همیشگی»‌اند، زیرا می‌ترسند که چنین حالتی بار سنگینی بر دوش آن‌ها تحمیل کند. بنابراین، در جهان «فردیت‌بخشی»^۴ بی‌امان ما، روابط هم خوب و هم بد هستند (همان). در این وضعیت رابطه به‌منزله ابزاری برای توسعه «خود» در نظر گرفته می‌شود، زیرا خود هم محصول خودیابی و هم محصول رشد روابط اجتماعی صمیمی است. اما این رابطه هنگامی که هدف مورد نظر برای مدت‌زمانی بلندمدت دنبال نشود، منحل

1. globalization
 2. The new Communication and information Technologies (ICT)
 3. late modernity
 4. individualization

می‌شود [۵۰، ص ۵۲]. بنابراین، ناپایداری^۱ خارق‌العاده پیوندهای انسانی، احساس ناامنی حاصل از این ناپایداری و امیال متضاد ناشی از این احساس مبنی بر تحکیم پیوندها و در عین حال سست نگه‌داشتن آن‌ها از ویژگی‌های جدید روابط عصر حاضر است [۶، ص ۸۵]. به‌طور کلی، «عقل سیال مدرن، در تعهدات پایدار نوعی ظلم و ستم کشف می‌کند و در تعهد بادوام، وابستگی عاجزکننده را می‌بیند. این عقل، حق پیوندها و تعهدها- خواه زمانی، خواه مکانی- را نفی می‌کند. عقلانیت سیال مدرن مصرف‌کنندگان هیچ نیازی به پیوندها و تعهدها متصور نیست» [همان].

نتایج برخی از مطالعات داخلی [۱؛ ۲؛ ۹] و خارجی [۶۰؛ ۶۵؛ ۶۷] نیز مؤید مطالب پیشین است و نشان می‌دهند که در جوامع مختلف روابط بین دو جنس وجود دارد. افزون بر آن تعداد درخور توجهی از این مطالعات، به عوامل مختلف شکل‌گیری [۲؛ ۱۲؛ ۲۰؛ ۲۱؛ ۶۱؛ ۶۴؛ ۶۶] و سنخ‌های مختلف این نوع روابط پرداخته‌اند. گروهی از تحقیقات نیز به توصیف افرادی که دارای این روابط‌اند، مثلاً افراد روان‌رنجور، پرخاشگر، غیرمنعطف [۷]، و افراد در معرض اضطراب ازدواج [۲۳]، پرداخته‌اند.

براساس نتایج پاره‌ای دیگر از تحقیقات، عوامل مرتبط با ایجاد رابطه با جنس مخالف شامل فشار گروه‌های دوستی [۹؛ ۳۳؛ ۳۷؛ ۴۰؛ ۴۳؛ ۴۹]؛ سن [۴۰؛ ۴۲؛ ۴۴؛ ۶۰]؛ نیازهای شخصی [۶۰]؛ قومیت [۴۶؛ ۷۱]؛ اضطراب ازدواج [۲۳]؛ ماهواره و اینترنت [۹؛ ۳۵؛ ۳۷؛ ۵۲؛ ۷۳]؛ دینداری [۹؛ ۳۳؛ ۳۷] و عوامل فرهنگی [۳۴] هستند. درنهایت، گروهی از مطالعات نیز «پیامدی» هستند و نشان داده‌اند که شیوع این‌گونه روابط، ولو از نوع رمانتیک، به افسردگی [۵۷] و فشار روحی [۵۳] منجر می‌شود.

مرور تحقیقات پیشین بیانگر وجود روابط بین دو جنس در بین برخی از افراد جامعه است. اما از آنجا که شمار مطالعات و تحقیقات داخلی و خارجی صورت‌گرفته در این زمینه اندک است، هنوز در رابطه با میزان شیوع این پدیده و تبدیل‌شدن آن به معضل اجتماعی نمی‌توان با قطعیت سخن گفت.

همچنین به‌رغم آنکه مطالعات خارجی زیادی در زمینه گروه‌های دوستی انجام شده است، از آنجا که در عموم این جوامع حد و مرزهای دوستی با جنس مخالف به‌منزله یک مسئله اجتماعی تلقی نمی‌شود، تعداد معدودی از این پژوهش‌ها به دوستی با جنس مخالف پرداخته‌اند. از سوی دیگر، با توجه به بافت فرهنگی و دینی خاص جوامع غربی و با توجه به بهنجار تلقی‌شدن دوستی بین دو جنس در این جوامع، در برخی از این تحقیقات، دوستی دختر و پسر را هم دارای کارکرد منفی و هم کارکرد مثبت دانسته‌اند [۴۰؛ ۴۳؛ ۴۷؛ ۵۵؛ ۵۹].

از طرف دیگر، بیشتر تحقیقات خارجی مرتبط با موضوع، متمرکز بر روابط صرفاً جنسی و پرخطرند. در داخل کشور نیز، به دلیل حساسیت‌های موجود در زمینه این موضوع در بین افراد جامعه، انجام تحقیق با مشکل مواجه بوده و از این رو شمار مطالعات موجود اندک است.

همچنین، همان‌طور که مشاهده می‌شود، به جز دو تحقیق آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۰) و آزاد ارمکی و شریفی ساعی (۱۳۹۰)، سایر تحقیقات مرور شده با استفاده از روش‌های کمی به جنبه‌های پیامدی این‌گونه روابط یا عوامل پیدایش آن‌ها پرداخته‌اند. همچنین تعداد معدودی از تحقیقات نیز، که جنبه توصیفی دارند، به نگرش‌سنجی، مطالعه ویژگی‌های شخصیتی افرادی که در این روابط درگیرند، و میزان شیوع این روابط پرداخته‌اند و مطالعه سنخ‌شناسانه و ارائه تیپولوژی‌ای از این‌گونه روابط تاکنون مغفول مانده است.

به علاوه، در تحقیقات داخلی و خارجی مرور شده، نمونه مطالعه‌شده شامل نوجوانان، دانشجویان، زنان بزه‌کار، افراد آسیب‌دیده و زندانی، و جوانان (دختر و پسر) بودند. این در حالی است که شواهد نشان می‌دهد دختران زودتر از پسران به رابطه با جنس مخالف علاقه نشان می‌دهند و بیشتر تحت تأثیر روابط عاشقانه با همسالان قرار می‌گیرند [۶۲]. به علاوه، دختران نسبت به پسران در این‌گونه روابط آسیب‌پذیرترند و با توجه به اینکه بیشتر به شبکه‌های اجتماعی می‌پیوندند و با آن‌ها یکپارچه می‌شوند [۷۲] احتمال برقراری رابطه با جنس مخالف نیز در آنان بالاست.

روش پژوهش

این تحقیق پژوهشی با رویکرد کیفی است که به دنبال سنخ‌شناسی^۱ الگوی ارتباط کنشگران با جنس مخالف است. درک عمیق و جامع الگوهای پدیدارها رسالت پژوهش کیفی است. از این رو این روش بیش از آنکه تعمیمی باشد، به دنبال منقح کردن صورت مسئله و فهم معنای آن است. برخلاف تحقیق کمی، که محقق اغلب با یک نظریه مشخص و فرضیه‌های کاملاً تعریف‌شده سروکار دارد و درصدد آزمودن آن‌هاست، در روش کیفی محقق در پی آن است که از خلال مطالعه فرایندهای اجتماعی به درک نظری از واقعیت برسد و یک چارچوب مفهومی جدید را تدوین کند [۲۵، ص ۱۱۳]. از این رو، در تحقیق حاضر از شیوه نظریه‌مبنایی^۲ استفاده شده که در آن، برخلاف فرایند پژوهش خطی- به جای پیش‌فرض‌های نظری- داده‌ها و میدان مطالعه‌شده در اولویت قرار گرفته است [۲۵، ص ۱۰۸]. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه سنخ‌شناسی مبنایی، سه مرحله کدگذاری باز، محوری، و گزینشی انجام شد. در کدگذاری باز، طی فرایند خردکردن و مفهوم‌پردازی داده‌ها، مفاهیم مهم یا زیرمقولات به دست آمد. در

1. typology

2. grounded theory

کدگذاری محوری، این زیرمقولات به یکدیگر پیوند داده شده تا اطلاعات در نظامی بالاتر دسته‌بندی شوند و بدین ترتیب مقولات محوری در یک مقوله مرکزی گرد هم آمدند که در رابطه با آن معنا پیدا کردند. همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، تحقیق حاضر از نوع سنخ‌شناسانه است و چون به دنبال ارائه تیپولوژی و توصیفی عمیق از روابط بین دو جنس است، ملهم از مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین^۱ بوده، اما خود را بدان متعهد نکرده است. بنابراین، در این تحقیق به‌طور کلی امکان استخراج مقولات محوری در دسته‌های هفت‌گانه علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای، راهبردی، و پیامدی وجود ندارد.

جامعه مطالعه‌شده در این تحقیق، دختران جوان بین سنین ۱۹-۳۰ ساکن شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۳ هستند که تجربه دوستی با جنس مخالف را داشته‌اند. نمونه‌گیری استفاده‌شده در این تحقیق، غیراحتمالی و با روش نمونه‌گیری هدفمند^۲ و نمونه‌گیری نظری^۳ است. همچنین، از آنجا که حجم نمونه در تحقیقات کیفی به‌شدت با سطح اشباع داده‌ها^۴ ارتباط دارد، حجم نمونه تحقیق کاملاً مشخص و از پیش تعیین شده نبود. در نتیجه، در تحقیق حاضر، تکرار داده‌های جمع‌آوری‌شده قبلی مشخص‌کننده تعداد نمونه‌های لازم برای تحقیق بوده و بنابراین با ۴۸ نفر از دختران جوان مصاحبه شد. با توجه به «منطق نمونه‌گیری کیفی»، معیار ورود به «نمونه» نیز، داشتن تجربه دوستی با جنس مخالف و تمایل به بیان آن در قالب مصاحبه بود.

برای جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۵ و تعاملی^۶ استفاده شد. این نوع مصاحبه به دلیل «انعطاف‌پذیری» و عمیق‌بودن آن برای پژوهش‌های کیفی از این دست مناسب است. به علاوه، از این دو روش برای نظم‌دهی یا ساخت‌دهی مجدد به نظریه‌های ذهنی استفاده می‌شود.

توصیف داده‌ها

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، تعداد پاسخگویان ۱۹ تا ۲۲ سال و ۲۷ تا ۳۰ سال برابر و ۳۵/۵ درصد است. کمترین تعداد (۲۹ درصد) نیز در سنین بین ۲۳ تا ۲۶ سال قرار دارند. بیشتر پاسخگویان دارای مدرک لیسانس (۵۸/۵ درصد) و سپس دیپلم یا زیر دیپلم (۲۱ درصد) هستند. همچنین ۶۰ درصد دختران مطالعه‌شده شاغل (۳۶ درصد دانشجو و ۲۴ درصد مشاغل دیگر) و ۴۰ درصد نیز فاقد شغل بودند.

-
1. Strauss & Corbin
 2. purposive sampling
 3. theoretical sampling
 4. data saturation
 5. semi-structure interview
 6. interactive

جدول ۱. توصیف سن و سطح تحصیلات پاسخگویان

سن	فراوانی	درصد	سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
۲۲-۱۹	۱۷	۳۵,۵	دیپلم و زیر دیپلم	۱۰	۲۱
۲۶-۲۳	۱۴	۲۹	فوق دیپلم	۴	۸,۵
۳۰-۲۷	۱۷	۳۵,۵	لیسانس	۲۸	۵۸,۵
-----	-----	-----	فوق لیسانس و بالاتر	۶	۱۲
کل	۴۸	۱۰۰	کل	۴۸	۱۰۰

سنخ‌شناسی روابط دختران با جنس مخالف

سنخ مجموعه‌ای از اشخاص است که دست کم در یک ویژگی مورد مطالعه با یکدیگر مشترک باشند. پیش‌نیاز تبیین هر پدیده اجتماعی، «توصیف» دقیق وضعیت آن است؛ و سنخ‌شناسی یا تیپولوژی زمینه‌ای مناسب برای توصیف دقیق و عمیق وضع موجود را فراهم می‌آورد [۱۱، ص ۲۶].

در فرایند سنخ‌شناسی تحقیق حاضر و در مرحله کدگذاری باز، طی فرایند خردکردن و مفهوم‌پردازی داده‌ها، مفاهیم مهم یا زیرمقولاتی مانند: سیالیت، تکثرگرایی، مدرنیته سیال، عدم تعهد، مقطعی بودن، و مانند آن به دست آمد. در کدگذاری محوری نیز، این زیرمقولات به یکدیگر پیوند داده شده تا اطلاعات در نظمی بالاتر دسته‌بندی شوند و بدین ترتیب مقولات محوری و متنوعی مانند: دوستی سیال، دوستی ابزاری، و... به دست آمدند. این امر نیز خود نشان‌دهنده آن است که گونه‌های متفاوتی از روابط دختران با جنس مخالف وجود دارد که خود نشان‌دهنده خاستگاه‌ها، انگیزه‌ها، و اهداف متفاوت از دوستی بین دو جنس است. به عبارت دیگر، در هریک از این الگوهای ارتباطی، سوژه گفتمان و باور خاصی دارد و رابطه را با هدفی مشخص دنبال می‌کند.

در نهایت، مقولات محوری به دست آمده شامل دوستی ازدواج‌محور، دوستی هم‌بالینی، دوستی سیال، دوستی ابزاری، و دوستی مصلحتی در یک مقوله مرکزی با عنوان «گفتمان پسامدرن» گرد هم آمدند که در رابطه با آن معنا پیدا کردند. در ادامه، به تشریح و تبیین هریک از این مفاهیم و مقولات و ارتباط آن با مقوله مرکزی پرداخته می‌شود.

دوستی ازدواج‌محور: یکی از این سنخ‌های ارتباطی، دوستی ازدواج‌محور است. همان‌طور که می‌دانیم تجدد فرهنگ خطر کردن است [۲۸، ص ۱۸]؛ بنابراین از آنجا که در حال حاضر در ایران بیش از ۱۴ میلیون جوان در سن ازدواج وجود دارد که هنوز ازدواج نکرده‌اند [۱۴، ص ۳۴۰]، در این نوع رابطه، سوژه دختر به دلیل «اضطراب ازدواج» [۶، ص ۲۸]، به ریسکی هدفمند تن می‌دهد و مخاطرات این نوع روابط را به بهای پیدا کردن همسر مناسب می‌پذیرد. برای مثال ناهید ۲۵ ساله و دانشجوی مقطع لیسانس می‌گوید:

الان دیگه مثل گذشته نیست که پسرها به حرف خانواده‌شون برای ازدواج گوش بدن یا به‌طور سنتی و خانوادگی خواستگاری صورت بگیره. اگر بخوام منتظر بمونم تا از فامیل یا همسایه‌ها کسی بیاد سراغم، باید خودم رو ترشی بندازم.

دوستی ابزاری: سوژه در این رابطه «فردیت» خود را محور قرار می‌دهد [ص ۲۸، ص ۹۴] و به دنبال رضایت خود، حفظ منافع یا ایجاد لذت و مصرف‌گرایی است. این نوع رابطه همان «رابطه جیب بلوز»^۱ است [ص ۶، ص ۱۳] که دارای ویژگی‌هایی مثل تکثرگرایی در دوستی، تنوع‌گرایی، عدم تعلق عاطفی، کوتاه‌مدت بودن، عدم مسئولیت‌پذیری، و حسابگری مادی است. شیرین ۱۹ ساله و دانشجوی لیسانس می‌گوید:

باید از اول حواست جمع باشه که دوست‌هایی پیدا کنی که مایه‌دار باشن و بتونی تیغشون بزنی. کم کم که تجربه‌ت بیشتر شد می‌تونی هم‌زمان چندتا جور کنی که از هر کدوم چیزی بهت برسه.

در این رابطه، ابژه‌های مصرف^۲ (در اینجا دوست) در خدمت نیازها، امیال یا خواسته‌های فردی هستند [ص ۶، ص ۷۸].

همچنین تغییر نظام ارزشی در میان جوانان و فشار فرهنگی ناشی از آن موجب شده که ارتباط‌گیری با جنس به منزله ابزاری «هویت‌ساز» و منبع منزلت اجتماعی برای سوژه دختر تلقی شود. الهام ۲۶ ساله و دارای مدرک دیپلم می‌گوید:

من الان فهمیدم بین دوستان نباید کم بیاری، چرا بقیه فکر کنن املی و عرضه نداری پسر تور کنی؟ الان این جوریه که هر چقدر بیشتر تور کنی پرستیژت می‌ره بالاتر و بقیه دخترها بیشتر میان طرفت.

دوستی مصلحتی: در این نوع دوستی، پیوندها بسیار سطحی‌تر و کوتاه‌تر از آن‌اند که به صورت علقه یا رشته الفت درآیند. در واقع در دوستی مصلحتی هر دو طرف به‌صراحت یا به تلویح می‌دانند که به دلیل بعضی ملاحظات و مزایای بیرونی است که باهم به سر می‌برند [ص ۲۸، ص ۱۳۹]. بنابراین، افراد در این رابطه بیشتر بر پروژه‌های کاری مشترک متمرکز می‌شوند و روابط معمولاً در حد روابط کاری باقی می‌ماند [ص ۶، ص ۱۰۶].
مثلاً فهیمه ۲۸ ساله و دانشجوی فوق لیسانس می‌گوید:

ما توی کنکور خیلی بهم کمک کردیم. هر موقع اعصابمون می‌ریخت به هم باهم

۱. relationship pocket Top: «یعنی آن نوع روابطی که می‌توانند در هنگام نیاز آن‌ها را آشکار سازند ولی پس از رفع نیاز آن‌ها را کاملاً در جیب خود پنهان کنند.»

۲. منظور اشیا، اشخاص، یا کالاهای مورد استفاده است. در اینجا منظور آن است که «فرد انتخاب‌شده به‌عنوان دوست» بیشتر به منظور نفع شخصی و بهره‌برداری یک‌سویه جهت دوستی انتخاب می‌گردد.

تلفنی حرف می‌زدیم و به هم اعتماد به نفس می‌دادیم که بیشتر بخونیم. توی این چهار سال که با هم بودیم همیشه رابطه‌مون در حد دوست و همکلاسی حفظ شد.

در این راستا، می‌توان گفت امروزه مردم به جای آنکه از ایجاد ارتباط^۱ و رابطه^۲ حرف بزنند از پیوندها^۳ و شبکه‌ها^۴ حرف می‌زنند. «شبکه» حاکی از لحظات «در تماس بودن» و دوره‌های پرسه‌زنی آزادانه هم‌زمان است [ص ۱۶]. سهیلا ۲۱ ساله و دارای مدرک فوق دیپلم می‌گوید:

اگرچه پسرهای گروهمون بچه‌های خوبی هستن، اما بین من و اون‌ها هیچ عشقی وجود نداره. قرار نیست هر رابطه‌ای هست حتماً جنسی یا ازدواجی باشه. به نظرم رابطه با پسر حتماً باید وجود داشته باشه. من خیلی چیزها ازشون یاد می‌گیرم.

دوستی ناب: در جوامع مدرن، الزام‌های بیرونی و «پیش‌ساخته»، که همراه با ظهور عشق و علاقه‌های رمانتیک و تخیل‌آفرین بروز می‌کرد، در حال ریشه‌کن شدن است [ص ۲۸، ۱۳۱]. ارتباط ناب نمونه‌ای از روابط عاشقانه در عرصه‌های نوین زندگی شخصی و نمونه‌ی تکامل‌یافته روابط رمانتیک در عصر پیشامدرن است؛ ارتباطی که معیارهای برونی در آن تحلیل رفته اما «تعهد» پیشینی در آن دیده می‌شود. در این رابطه، صرفاً خود «رابطه» اهمیت دارد و «اعتماد (نوعی خلوص و بی‌ریایی متقابل) و صمیمیت و خودمانی بودن^۵ و کشش‌های روانی متقابل از ویژگی‌های آن است» [ص ۲۲، ۲۸]. همچنان که صفورا ۲۵ ساله و دارای مدرک دیپلم می‌گوید:

بعد از چهار سال باهم بودن اونقدر بهش اعتماد و علاقه دارم که تمام وجودم رو متعلق به اون می‌دونم. برای همین توی رابطه‌مون اگر دستم رو بگیره یا بخواد من رو ببوسه ناراحت نمی‌شم. راستش من حاضر نیستم به کس دیگری حتی فکر کنم.

همان‌طور که مشاهده می‌شود در این نوع رابطه فرایند گسترش تدریجی ارتباط اتفاق می‌افتد که در آن شهوت^۶ و عشق به‌طور توأمان با یکدیگر وجود دارند.

دوستی (عشق) سیال^۷: در این روابط، که متناسب با موقعیت زندگی سیال مدرن‌اند، «احتمالات عاشقانه» با سرعتی هرچه بیشتر در عبور و مرورند و وعده تعهد به رابطه در بلندمدت، پوچ و بی‌معنی است. درحقیقت، در این نوع رابطه، به آزادی و رضایت بیشتر اهمیت داده می‌شود. برای مثال، پری ۲۴ ساله و دارای مدرک فوق دیپلم می‌گوید:

1. relating
2. relation
3. connection
4. networks
5. intimacy
6. desire
7. liquid love

این تجربه اولین دوست داشتن من نیست. اگر توی این رابطه هم اذیت بشم و ببینم دارم وابسته می‌شم سریع کاتش می‌کنم. به نظرم عشق و علاقه باید در حدی باشه که محدودت نکنه و آزادی‌ت از بین نره.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در این‌گونه پیوندها، «عشق» شامل رویدادهایی سریع، کوتاه، سرشار از آگاهی پیشین از شکنندگی و از این جهت نیازمند مهارت‌های اکتسابی در سریع به پایان رساندن و شروع مجدد است [ص ۲۵، ۶]. غزل ۲۳ ساله و دانشجوی مقطع لیسانس نیز در این رابطه می‌گوید:

من می‌دونم که تهش این رابطه یک جایی دیر یا زود تموم می‌شه. برای همین از همین حالا همه وقت رو صرف یک نفر نمی‌کنم که بعداً با رفتنش اذیت بشم.

دوستی هم‌بالینی: در این نوع دوستی، اختصاص «زمان» جهت شناخت یکدیگر معنایی ندارد، زیرا «بدن»ها در این رابطه تعیین‌کننده‌اند و هریک از سوژه‌ها به منزله یک «شیء» تلقی می‌شود. نکته حائز اهمیت در این نوع روابط، چانه‌زنی در رابطه با نوع و میزان «خدمات جنسی» طرفین و انجام توافق اولیه درباره آن است. تینا ۱۹ ساله و دارای مدرک دیپلم می‌گوید:

شنیدن ماجراهای جنسی که بین دوست‌هام و دوست پسرهایشون اتفاق می‌افتاد واقعاً من رو توی فشار می‌گذاشت. چون واقعاً نیاز داشتم و بالاخره من هم این نوع رابطه رو شروع کردم. البته ما از همون اول خودمون توافق کردیم رابطه جنسی‌مون در چه حدی باشه. در اصل این جوریه که اگر خودت بخوایی، می‌تونی حد و مرز رابطه رو مشخص کنی.

این الگوی دوستی ادامه روابط جنسی آزاد در غرب است، اما از آنجا که این نوع روابط در بافت فرهنگی و دینی رایج در جامعه ما تابو و گناه کبیره تلقی می‌شود، به شکلی پنهانی و در قالب الگوی جدیدی از روابط «شبه‌جنسی» در مکان‌های مختلف و متنوعی انجام می‌شود.

جدول ۲. شاخص‌های سنخ‌های رابطه با جنس مخالف بین نمونه مورد مطالعه شهر کرمانشاه

سنخ	نوع	رابطه جنسی	تعهد	عشق	اصل حاکم بر رابطه
ازدواج‌محور	چندنفره / دونفره	-	-	-	عقلانیت عملی و نظری، احساس مخاطره
سیال	چندنفره	- / +	-	+	عشق سیال پسامدرن
هم‌بالینی	چندنفره	+	-	-	شیء‌وارگی و لذت‌گرایی جنسی
ابزاری	چندنفره	-	-	-	عقلانیت عملی و کنش عقلانی ناظر بر وسیله - هدف، مصرف‌گرایی، و فردگرایی
مصلحتی	چندنفره	-	- / +	-	عقلانیت ذاتی و کنش عقلانی ناظر بر وسیله - هدف
ناب	دونفره	+	+	+	مدرنیته بازتابی و تغییر شکل صمیمیت

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی کشف الگوهای گوناگون رابطه دختران با جنس مخالف در شهر کرمانشاه بود. نتایج حاصل از این تحقیق کیفی، بیانگر آن بود که کنشگران با توجه به معنای ذهنی و انگیزه‌های مختلف، گونه‌های مختلفی از رابطه با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند.

در این خصوص، می‌توان گفت گذار از مدرنیته جامد به مدرنیته سیال، انسانی‌ترین و خصوصی‌ترین مقوله تاریخ بشری یعنی «عشق» را در نمونه مطالعه‌شده به امری سیال و روزمره تبدیل کرده است. نتایج تحقیق حاضر نیز نشان داد در دختران جوان جامعه مطالعه‌شده نیز روابط انسانی سیال، شکننده، و حسابگرایانه است. به‌طور کلی، جامعه مطالعه‌شده پنج الگوی ارتباطی مبتنی بر گفتمان پسامدرن (مصلحتی، ازدواج‌محور، سیال، ابزاری، و هم‌بالینی) و یک الگوی ارتباطی مبتنی بر گفتمان مدرنیته بازتابی (دوستی ناب) دارد. در پنج سنخ به‌دست‌آمده تحقیق (به غیر از رابطه ناب)، پیوندها به محض درخواست برقرار شده و به میل و دلخواه خود نیز می‌توانند گسسته شوند. در این گونه روابط، کامل‌ترین صورت تجسم‌یافته آزادی یعنی «اگر این کالا رضایت شما را به‌طور کامل برآورده نساخته، آن را پس دهید» [۶، ص ۸۴] دیده می‌شود.

به‌طور کلی، براساس یافته‌های حاصل از تحقیق حاضر، پاسخگویان متأثر از فرهنگ مصرفی، که از محصولات حاضر و آماده برای استفاده آنی و ارضای فوری استقبال می‌کند، عشق را همانند «کالا» و «شیء» و براساس منطق حسابگرایانه مادی تجربه می‌کنند. مسئله‌بودن این موضوع از آن جهت است که بدانیم با توجه به دستورات دین مبین اسلام، فقط دو سنخ رابطه با جنس مخالف، یعنی روابط مشروع و نامشروع، وجود دارد. از آنجا که جهانی شدن و گفتمان مدرنیته و پسامدرن، با به چالش کشیدن باورهای دینی و ایجاد یک نظام معنایی جدید، بستر اشکال جدید رابطه با جنس مخالف را ایجاد کرده است، به نظر می‌رسد جامعه‌پذیری مجدد و نهادینه‌سازی الگوهای تعاملی، براساس باورهای دینی، می‌تواند به‌منزله سپری در برابر خطرپذیری جنسی [۳] عمل کند. همچنین این امر عاملی در کاهش روابط بین دو جنس و رفتار جنسی پرخطر [۵۴؛ ۵۶؛ ۶۸] خواهد بود.

اما، به‌طور کلی، از آنجا که رابطه با جنس مخالف در ارتباط مستقیم با تغییرات ساختاری متعددی است، ارائه هرگونه راهکار در این خصوص نیازمند تحقیقات میدانی و کاربردی در ابعاد موضوعی مختلف و مطالعه آن در حوزه‌هایی فراتر از رشته جامعه‌شناسی است.

منابع

- [۱] آزاد ارمکی و همکاران (۱۳۹۰). «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، س ۲، ش ۲، ص ۱-۳۴.
- [۲] آزاد ارمکی، محمدتقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین (۱۳۹۰). «تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، س ۷، ش ۲۸، ص ۴۳۵-۴۶۲.
- [۳] اسدی، مسعود؛ رضایی‌نژاد، سالار؛ نادر میری، امیر (۱۳۹۰). «رابطه‌مذهب‌گرایی و عوامل جمعیت‌شناختی با گرایش به خشونت و رفتار جنسی پرخطر در دانشجویان دختر و پسر»، *زن و مطالعات خانواده*، س ۳، ش ۱۲، ص ۱۳-۲۵.
- [۴] احمدی، علی‌اصغر (۱۳۸۷). *تحلیلی بر روابط دختر و پسر در ایران*، تهران: سازمان انجمن اولیا و مربیان.
- [۵] احمدنیا، شیرین؛ مهریار، هوشنگ (۱۳۸۳). «نگرش و ایده‌آل‌های نوجوانان تهران در زمینه همسرگزینی، فرزندآوری، و تنظیم خانواده»، *مقاله ارائه‌شده در همایش جمعیت‌شناسی با تأکید بر جوانان: شیراز*.
- [۶] باومن، زیگموند (۱۳۸۴). *عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- [۷] بیرامی، منصور، اسمعیلی، احمد؛ واحدی، حسین (۱۳۸۹). «مقایسه عوامل و صفات شخصیتی دانشجویان دارای روابط جنسی پرخطر و فاقد روابط جنسی پرخطر»، *مجله پزشکی ارومیه*، دوره ۲۱، ش ۳، ص ۲۱۵-۲۲۰.
- [۸] تورن، آلن (۱۳۸۲). «ایران در جریان فرایند مدرنیزاسیون قرار دارد»، *همشهری، ویژه‌نامه نوروز*، ص ۴۷.
- [۹] خواجه‌نوری، بیژن؛ دل‌آور، مریم‌السادات (۱۳۹۱). «عوامل مؤثر بر دوستی دختر و پسر بین جوانان شهر شیراز، با تأکید بر فرایند جهانی‌شدن»، *جامعه‌شناسی کاربردی اصفهان*، س ۲۳، ش پایانی (۴۶)، ش ۲، ص ۴۱-۶۴.
- [۱۰] دلخمش، محمدتقی (۱۳۸۵). «ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی»، *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، س ۳، ش ۱۲، ص ۲۹۹-۳۱۸.
- [۱۱] دورکیم، امیل (۱۳۸۳). *قواعد روش جامعه‌شناسی*، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران، چ ۶.
- [۱۲] رفاهی، ژاله؛ گودرزی، محمود؛ میرزایی چهارراهی، مرتضی (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران از دیدگاه دانشجویان»، *فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*، س ۳، ش اول، ص ۱۱۷-۱۳۴.

- [۱۳] روزی بیدگلی، زهرا (۱۳۸۲). «نوگرایی زنان فعال در حوزه فرهنگی»، پژوهش زنان، دوره ۱، ۳، ش ۷، ص ۱۷۷-۱۹۸.
- [۱۴] زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ سلیمانی، زکیه (۱۳۹۱). «نگرش به روابط پیش از ازدواج، عوامل مؤثر بر گرایش به آن»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۱۲، ش ۴۵، ص ۳۳۹-۳۶۴.
- [۱۵] زیمل، گئورگ (۱۳۹۲). درباره فردیت و فرم‌های اجتماعی، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: ثالث.
- [۱۶] ساروخانی، باقر؛ رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۳). «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی»، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، س ۵، ش ۲، ص ۱۳۳-۱۶۰.
- [۱۷] سراج‌زاده، سید حسین؛ جواهری، فاطمه (۱۳۸۲). بررسی گرایش‌های فرهنگی، اجتماعی و رفتارهای نابینجار دانشجویان دانشگاه تهران، تهران: معاونت اجتماعی فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- [۱۸] سراج‌زاده، سید حسین (۱۳۸۳). «نیمه پنهان، گزارش نوجوانان شهر تهران از کجروی‌های اجتماعی و دلالت‌های آن برای مدیریت فرهنگی»، مجله علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۴۱ و ۴۲، ص ۵۳-۸۴.
- [۱۹] سراج‌زاده، سید حسین؛ بابایی، مینا (۱۳۸۹). «جهانی‌شدن، فرهنگ جهانی، و کجروی فرهنگی»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۴۸، ص ۴۳-۷۱.
- [۲۰] سهرابی، فرامرز؛ رسولی، فاطمه (۱۳۸۷). «بررسی رابطه بین سبک دلبستگی و روابط جنسی فرازناشویی در بین زنان بازداشت‌شده در مرکز مبارزه با مفاسد اجتماعی شهر تهران»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، س ۴، ش ۱۴، ص ۱۳۳-۱۴۳.
- [۲۱] شریفی، مرضیه و همکاران (۱۳۹۱). «رابطه طرح‌واره‌های عشق و توجیه روابط فرازناشویی در زنان متأهل شهر اصفهان»، فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۱۰، ش ۶، ویژه‌نامه سلامت روان.
- [۲۲] شیخ‌دارانی، هما و همکاران (۱۳۸۷). «تأثیر آموزش مبتنی بر افزایش آگاهی از آسیب‌های حاصل از روابط آسیب‌زای دختر و پسر بر نگرش دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، ش ۳۸، ص ۴۱-۶۲.
- [۲۳] صفایی، مهشید (۱۳۹۰). «جوانان و عشق؛ تأثیر زمینه اجتماعی در مفهوم‌پردازی رابطه عاشقانه»، مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان، س ۹، ش ۲، ص ۸۱-۱۰۴.
- [۲۴] عبدالهیان، حمید (۱۳۸۳). «ارزش سنتی و بازتولید فرهنگی»، مقاله ارائه‌شده در همایش جمعیت‌شناسی با تأکید بر جوانان: شیراز.
- [۲۵] فلیک، اووه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.

- [۲۶] قاسمی، وحید (۱۳۸۳). «سنخ‌شناسی دانشجویان بر مبنای پدیده روابط دوستانه دختر و پسر»، فصلنامه مطالعات جوانان، ش ۷، ص ۹۰-۱۱۳.
- [۲۷] گلزاری، محمود (۱۳۸۳). آموزش مشاوره با نوجوانان در زمینه ارتباط با جنس مخالف، دومین کنگره بین‌المللی روان‌درمانی در شرق و گفت‌وگوی تمدن‌ها، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- [۲۸] گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲). تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- [۲۹] _____ (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز، چ ۳.
- [۳۰] ماهینی، انیسه؛ دیره، عزت (۱۳۹۱). «پژوهشی در ارتباط با دختر و پسر در دانشگاه‌ها و نقد دیدگاه‌ها»، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق، س ۵، ش ۱۶، ص ۸۶-۱۰۹.
- [۳۱] محمدپور، احمد و همکاران (۱۳۹۳). «تأثیر عوامل فردی- محیطی بر پایبندی به شیوه‌های ازدواج (مطالعه موردی دانشجویان روستایی- شهری دانشگاه‌های سمنان)»، جامعه‌شناسی کاربردی اصفهان، س ۲۵، ش پیاپی ۵۳، ص ۱۵۹-۱۷۴.
- [۳۲] مرکز آمار ایران. سالنامه آماری کشور (۱۳۸۱). تهران: مدیریت انتشارات و اطلاع‌رسانی.
- [۳۳] موحد، مجید؛ عباسی شوازی، محمدتقی (۱۳۸۵). «بررسی رابطه جامعه‌پذیری و نگرش دختران به ارزش‌های سنتی و مدرن در زمینه روابط بین‌شخصی دو جنس پیش از ازدواج»، مطالعات زنان، س ۴، ش ۱، ص ۶۸-۹۹.
- [۳۴] موحد، مجید؛ عنایت، حلیمه؛ عباسی شوازی، محمدتقی (۱۳۸۵). «بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۲۴، ویژه‌نامه جمعیت و توسعه، ش ۲، (پیاپی ۴۷)، ص ۱۴۷-۱۶۵.
- [۳۵] مهدی‌زاده، شراره؛ عبداللهی، الهه (۱۳۸۶). «بررسی رابطه میان نحوه استفاده از اینترنت و ماهواره با برگزاری روز دوستی (ولنتاین) در میان جوانان تهرانی»، فصلنامه انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۳، ش ۹، ص ۱۶۱-۱۸۴.
- [۳۶] میرباقری، مرتضی (۱۳۸۱). نتایج پژوهش ملی در وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ۱۴ تا ۱۹ ساله استان تهران، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.
- [۳۷] میرزایی، خلیل؛ برغمندی، هادی (۱۳۸۸). «رابطه با جنس مخالف و عوامل مرتبط با آن»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۱۰، ش ۳۴، ص ۱۳۱-۱۵۸.
- [۳۸] هدایتی‌مقدم، محمدرضا؛ فتحی مقدم، فرهاد (۱۳۸۸). بررسی رفتارهای پرخطر مرتبط با سلامت در دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۸۷، طرح تحقیقاتی، واحد استان خراسان رضوی.

- [39] Adams, G.R. (2000). "The transition to university and beyond [special issue]". *Journal of Adolescent Research*, 15 (1), pp 145-156.
- [40] Buhrmester, D. & Furman, W. (1992). *The Changing functions of friends in childhood: A neo-sullivanian perspectives*, In V.J. Derlega, & B.A. Winsted (Eds.), *Freindship and Social Interaction* (pp. 41-62). New York: Springer.
- [41] Buss, D.M. Shackelford, T.K. Kilpatrick, L.A. & Larsen, R.J. (2007). *A Half century of mate perefence: the cultural evolution of values*.
- [42] Carver, K. Joyner, K. & Udry, J.R. (2003). *National estimates of adolescent romantic relationship*, In P. Florsheim (Ed.), *Adolescent romantic relations and sexual behavior: Theory, research and practical implications*, Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.
- [43]. Conolly, J.A. & Konarski, R. (1994). "Peer self-concept in adolescence: Analysis of factor structure and of associations with peer experience", *Journal of Research on Adolescence*, 4, pp 385-403.
- [44] Collins, W. (2003). More than myth: The developmental significance of romantic relationships during adolescence, *Journal of Research on Adolescence*.
- [45] Demaris, A., and W. Mac Donald. (1993). "Premarital cohabitation and marital instability: A test of the unconventionality hypothesis", *Journal of marriage and the family*, 55 (2): pp 399-407.
- [46] Durant, R.H. & et. Al. (1990). "Contraceptive behavior among sexually active Hispanic Adolescents", *Journal of Adolescence Health Care*, 11, pp 490-496.
- [47] Fehr, B. (1996). *Friendship processes*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- [48] Forman, L. (2002). *Clinical handbook of couple therapy*, New York: Guilford publishing.
- [49] Furman, W. (1989). *The Development of children's social networks*, In D. Belle (Ed.), *Children Social Networks and Social Supports*, pp 151-172. New York: Wiley.
- [50] Giddens, A. (1992). *The Transformation of Intimacy: Sexuality, Love & Eroticism in Modern Societies*, California, Stanford University press.
- [51] Hall, D., R. (1996). "Marriage as a pure relationship: Exploring the link between premarital cohabitation and divorce in Canada, *Journal of Comparative Family studies*, 27 (1): pp 1-12.
- [52] Hardie, E. & S. Buzwell. (2006). "Finding love online: The Nature and frequency of Australian", *Journal of emerging technologies and society*, vol. 4, no. 1, pp: pp 1-14.
- [53] Hendrick, S. S. & Hendrick, C. (1993). Lovers as Friends, *Journal of Social and Personal Relationship*, 10, pp 459-466.
- [54] Holder, D. W. (2000). "The association between adolescent sexual spirituality and voluntary sexual activity", *Journal Adolescent Health* 2000, 26: pp 295-320.
- [55] Howes, C. (1988). "Same- and cross – sex friendships: Implications for interactions and social skills", *Early childhood research quarterly*, 3, pp 21-37.
- [56] Jassor, R. (1992). "Risk behavior in adolescence: A psycho social frame work for understanding & action". *Developmental Review*. 12: pp 374-390.
- [57] Joyner, K. & Udry, J. R. (2000). You don't bring me anything but down: Adolescent romance and depression", *Journal of health and social behavior*, 41, pp 369-391.
- [58] Kahn, J. R. and K., A. London (1991), "Premarital sex and the Risk of Divorce", *Journal of Marriage and the Family*, 53(4), pp 845-855.

- [59] Laursen, B. (1993). Conflict management among close peers, *New Direction for child development*, 60, pp 39-54.
- [60] Laursen, B. & Williams, V. A. (1997). Perceptions of interdependence and closeness in family and peer relationships among adolescents with or without romantic partners, *New Directions for child development*, 78, pp 3-20.
- [61] Masten, A. (2001). "Resilience process in development", *American psychology*, 56.
- [62] Miller, B. C., & Christopherson, C.R. & King, P.K. (1993). *Sexual behavior in adolescence*, IN R. Gullotta, G. Adams, & R. Montemayor (Eds.), *Adolescent Sexuality*, New bury park, CA: Sage.
- [63] Ramakrishna, I., Karoptt, M. & Murthy, R.S. (2006). *Experiences of sexual coercion among street boys in Bangalore, India*. [Http://www.who. int/reproductive health/publications/ towards adu thood/14.pdf](http://www.who.int/reproductivehealth/publications/towards_adulthood/14.pdf).
- [64] Rector, R., E. & et. Al (2003). *Sexually Active teenagers are more likely to be depressed and to attempt suicide*.
- [65] Rosenzweig, L. W. (2008). *Encyclopedia of children and childhood in history and society*, The gale group INC.
- [66] Silva, M. & Ross, I. (2002). Association of perceived parental attitudes towards premarital sex with initiation of sexual intercourse in adolescence, *psychology Report*, 91 (3 PT 1), pp 40-781.
- [67] Simmons, R. (2002). *Odd Girl Out: The Hidden Culture of Aggression in Girls*, New York: Harcourt.
- [68] Sinha, j.w. & Cnaan, R.A. (2004). *Exploring the impact of a faith-based demonstration program for at-risk youth*. Washington, DC: Administration for children and families, Health and Human services.
- [69] Smock, P. (2000). "Cohabitation in the United States: An appraisal of research themes, findings, and implications", *Annual Reviews Sociology*, 26 (1): pp 1-20.
- [70] Teachman, J. (2003). "Premarital sex, premarital cohabitation, an the risk of subsequent marital dissolution among women", *Journal of Marriage and family*, 65 (2): pp 444-455.
- [71] Torres, A. & Singh, S. (1986). "Contraceptives practice among Hispanic adolescents", *Family planning perspectives*, 18, 193-194.
- [72] Urberg, K.A. & Et al (1995). The Structure of adolescent peer networks, *Developmental psychopathology*, 31, pp 540-547.
- [73] Whitty, M.T. (2008). "Liberating or debilitating? An examination of romantic relationship, sexual relationships and friendships on the Net", *Computers in Human Behaviors*, vol.24, pp 1837-1850.